نامه‏ی ابراهیم پورداود به محمد روشن‏ در اعتراض به حمله‏ی نیروهای نظامی به دانشگاه‏ در بهمن 1340

یادداشت

نیروهای نظامی و چترباز در اول بهمن 1340 به دانشجویان‏ دانشگاه تهران حمله آوردند.در این روز به دنبال تظاهرات چند روز گذشته بعضی از دانش‏آموزان و اخراج آن‏ها،دانشجویان دانشگاه‏ تهران،دست به تظاهرات زدند و بین آن‏ها و پلیس زد و خوردی‏ شدیدی درگرفت.در پی این زدوخورد حدود دویست پلیس و دانشجو مجروح شدند و به تاسیسات دانشگاه و مراکز اتمی خسارت وارد آمد و کلیه‏ی آزمایشگاه‏ها از کار افتاد و دانشگاه به دستور دولت تعطیل شد. دولت اعلام کرد که این تظاهرات به تحریک مالکان و متنفذین بوده‏ است و عمال کمونیسم در آن دست داشتند.(روزشمار تاریخ‏ ایران،باقر عاقلی،تهران،(1370)،136/2

در این‏باره هم‏چنین نگاه کنید به :

قلم و سیاست،محمد علی سفری،تهران،(1373)،2/434- 436)

در همین اوان،استاد ابراهیم پورداود طیّ نامه‏یی خصوصی‏ احساسات خود را در این باب اظهار داشته است:

«22/بهمن/1340

آقای محمد روشن گرامی ارجمند

نامه‏ی 21 دی 1340،روز 26 همان ماه رسید..دیروز بامداد خواستم به نامه‏ی شما پاسخ دهم و از برای هدیه سپاسگزاری کنم که‏ مهمانی رسید.تا این‏که بعداز ظهر دیروز تلگراف تبریک تولدم را دریافتم.بیش از پیش مایه‏یی شادمانی و سپاسگزاری گردید.گرچه‏ روز تولدم به پنجم ماه مارس فرنگی می‏افتد.اما اظهار محبت‏ دوستان،همه وقت موجب خوشی‏ست:این تبریک را از برای همان‏ روز به حساب خواهم آورد.در این‏جا پس از چند روز بارندگی،هوا آفتابی و خوب است.

پیش‏آمد بسیار زشت و پست که از برای دانشگاه این‏جا روی داد، همه را افسرده کرد.گمان نمی‏کنم این رفتار ناهنجار به این زودی‏ها از یاد برود و آن همه ننگ و رسوایی از خاطره‏ی مردم تربیت‏شده‏ی‏ این سرزمین در هنگام چند ماه زدوده شود.

گمان نمی‏کنم امسال دیگرباره درس و بحثی داشته باشیم گرچه‏ همیشه کار داریم،اما شخصا دلم به کاری‏ست که در دانشگاه انجام‏ می‏دهم و چیزی از اندوخته‏ی ناچیز خود به گروهی از فرزندان میهن‏ خود می‏سپردم.این است که با بسته‏بودن دانشگاه،دل‏تنگم،شک‏ نیست که دانشجویان هم که از تحصیل بی‏بهره مانده‏اند،دل‏تنگ و ناشکیبا هستند.

درود و سلام من و خانم را خدمت خانم خود برسانید.از خدا تندرستی شما را خواستارم.

دوستار شما

پورداود»

(منبع:اسنادی از مشاهیر ادب معاصر ایران،ص‏426-427)

نامه‏ی ایرج پارسی‏پور به علی هاشمی درباره‏ی پورداود